

سرشناسه: خرمی مشکانی، ابراهیم. ۱۳۴۲ -
 عنوان و نام پدیدآور: تنهایی امیرالمؤمنین / تألیف ابراهیم خرمی مشکانی
 مشخصات نشر: کاشان: مرسل؛ ۱۳۹۱.
 مشخصات ظاهری: ۲۲۴ ص.
 شابک: 978-964-972-245-0
 وضعیت فهرست‌نویسی: قیفا
 موضوع: علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق.
 رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۰ ۹۴خ/۳۵/ BP۳۷
 رده‌بندی دیویی: ۲۹۷/۹۵۱
 شماره کتابشناسی ملی: ۲۵۶۶۱۶۸

- تنهایی امیرالمؤمنین
- تألیف: ابراهیم خرمی مشکانی
- آماده‌سازی متن: واحد فنی و تحقیقات انتشارات مرسل
- چاپ اول / ۱۳۹۱ / ۳۰۰۰ نسخه
- لیتوگرافی: آفتاب
- پخش: الهادی
- شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۹۷-۲۱۵
- قیمت: ۸۸۰۰ تومان
- حق چاپ محفوظ است. در اختیار کل یا بخشی از این کتاب شرعاً و قانوناً مجاز نمی‌باشد.
- این کتاب با حمایت مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه و - معاونت پژوهشی - چاپ شده است.



انتشارات مرسل

ناشر برگزیده

مجددزمین و بیست و سومین
 نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران

www.morsalpub.com

ص پ: ۸۷۱۲۵/۱۳۲۵

تلفن: ۳۶۱-۴۴۵۴۵۱۳ - همراه: ۲۵۶۶۱۶۸-۰۹۱۳

پخش: تهران - پکتا ۰۲۱-۸۸۹۲۰۳۰۳

www.adinebook.com

www.iketab.com

فروش اینترنتی:

عَنِ النَّبِيِّ الْأَعْظَمِ ﷺ:

﴿يَا عَلِيُّ أَنْتَ الْمَفَارِقُ بَعْدِي﴾

رسول خدا ﷺ فرمود:

«ای علی! تو پس از من تنها می شوی.»

عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۶.

بحار الانوار، ج ۳۸، ص ۱۱۱.

تذکرة امیرالمؤمنین

تألیف:

ابراهیم درّمی مشکالی



انتشارات مرسل

فهرست مطالب

۱۱	مقدمه
۱۹	تنهایی امیر مؤمنان علی علیه السلام
۲۰	سقیفه کجاست؟
۲۳	فقط سه نفر
۲۴	بی وفایی مردم
۲۵	همه مردم رفتند
۲۸	عوامل تنها شدن امام علی علیه السلام
۲۹	حدیث یوم الدار
۳۰	آیه اطاعت و امام علی علیه السلام
۳۱	آیه ابلاغ و امام علی علیه السلام
۳۷	دلایل جانشینی علی علیه السلام در روایات
۴۰	علت تأکید فراوان بر معرفی علی علیه السلام
۴۳	عامل اول: دیر آمدن
۴۷	عامل دوم: جوانی
۴۸	چرا علی علیه السلام را انتخاب نکردید؟
۵۰	او جوان است
۵۳	آیا سالخوردگی و سن، دلیل برتری و فضیلت می شود؟
۵۵	فضیلت ها ملاک است
۵۶	بر تو باد بر جوانان

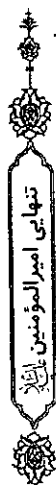
- جوانان یاری ام کردند ۵۶
- در اداره‌ی حکومت، از جوانان لایق استفاده شود ۵۷
- نخستین مأموریت جوان به مدینه ۵۸
- انتخاب جوان به فرمانداری مکه ۶۰
- فرمانده نظامی، جوان هیجده ساله ۶۲
- امام علی (علیه السلام) در میدان علم و فضیلت ۶۳
- اعلمیت امام علی (علیه السلام) ۶۵
- و حکایتی دیگر از اعلمیت امیرالمؤمنین (علیه السلام) ۶۸
- مشکل رتنها علی (علیه السلام) حل می‌کند ۷۱
- در زمان عمر بن خطاب ۷۲
- حکم این زن برگسار نیست ۷۳
- او را نگهدار تا بزاید ۷۴
- این چه حکمی بوده ۷۵
- علم امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) ۷۷
- اگر علی (علیه السلام) نبود ۸۰
- کجاست ابوالحسن؟ ۸۲
- آزاده‌ای من بیاورید ۸۳
- اگر امام علی (علیه السلام) نبود ۸۵
- دلیل برتری و فضیلت! ۸۶
- علی (علیه السلام) امین پیامبر (صلی الله علیه و آله) ۸۸
- امام علی (علیه السلام) در جنگ‌ها پرچمدار رسول خدا (صلی الله علیه و آله) ۸۸
- مأموریت امام علی (علیه السلام) در نوشتن صلح‌نامه ۸۹
- مأموریت امام علی (علیه السلام) در شکستن بت‌ها ۸۹
- مسئولیت امام علی (علیه السلام) در مدینه ۹۰
- شکستن بت‌ها ۹۱
- ابلاغ آیات برائت ۹۲
- پیامبر (صلی الله علیه و آله) لحظات واپسین عمر، امام علی (علیه السلام) را مأمور کرد ۹۴
- در خلافت ۹۵

- عامل سوم: کینه توزی ۹۷
- کینه چیست؟ ۹۷
- چرا کینه توزی؟ ۹۸
- آنان کینه علی (علیه السلام) را در دل داشتند ۱۰۰
- هفتاد نفر از مردان آنها را کشته ای ۱۰۲
- جنگ بدر ۱۰۳
- جنگ اُحد ۱۰۵
- شروع کناره گیری و بهانه ها ۱۰۷
- بهانه ها ۱۰۹
- از ناحیه ی خداست ۱۰۹
- ادامه کینه ها ۱۱۳
- ادامه کینه توزی با فرزندان امام علی (علیه السلام) ۱۱۴
- تبلیغات زهر آلود بنی امیه ۱۱۵
- پیشگویی پیامبر (صلی الله علیه و آله) بر کینه توزی به امام علی (علیه السلام) ۱۱۹
- هرگز نمی میرد ۱۲۱
- کینه هایی که پس از من آشکار می شود ۱۲۲
- عامل چهارم: عدالت ۱۲۵
- معانی عدالت از دیدگاه امام علی (علیه السلام) ۱۲۵
- عامل پنجم: احادیث ساختگی ۱۲۹
- دوست نداشتند در خاندان شما نبوت و خلافت در یک جا ۱۳۱
- استناد به حدیث ساختگی ۱۳۲
- عامل ششم: شوخ طبعی ۱۳۹
- شوخی در اسلام ۱۳۹
- شوخی اشکال ندارد ۱۴۳
- به شوخی این کار را کردم ۱۴۳

- ۱۴۵ تأثیر شوخی
- ۱۴۶ نقش شوخی‌های سالم
- ۱۴۷ نمونه‌هایی از شوخی‌های پیامبر ﷺ
- ۱۴۷ اهل بهشت
- ۱۴۸ سفیدی چشم
- ۱۴۹ بچه شتر
- ۱۴۹ بنده‌ی خدا
- ۱۵۰ هسته‌ی خرما
- ۱۵۰ تشبیه کنید
- ۱۵۱ مؤمن اهل شوخی است
- ۱۵۲ چرا با هم شوخی ندارید؟
- ۱۵۲ عرب بی‌باز
- ۱۵۳ نمونه‌هایی از شوخی‌های صحابه
- ۱۵۳ فرشته دوم
- ۱۵۴ هفت دختر
- ۱۵۴ خرما و نابینا
- ۱۵۵ پول غسل
- ۱۵۶ تلافی می‌کنم
- ۱۵۸ شوخ طبعی امام علی علیہ السلام
- ۱۵۸ پیامبر خدا ﷺ هم شوخی می‌کرد
- ۱۶۰ هیبت تقوا
- ۱۶۳ عامل هفتم: حب ریاست
- ۱۶۳ معنای ریاست طلبی
- ۱۶۴ پیامدهای ریاست طلبی
- ۱۶۵ ریاست به دین خسارت می‌زند
- ۱۶۵ دیوانه نشده، دینش را حفظ کرده
- ۱۶۷ حب ریاست

۱۶۸	خود را نجات داد
۱۷۱	درمان بیماری ریاست‌طلبی
۱۷۲	نوبت ماست
۱۷۳	اسکندر ذوالقرنین
۱۷۳	آنها در این قصرها ریاست می‌کرده‌اند
۱۷۴	ثمره‌ی ریاست آنان، آزردن دل بندگان خدا
۱۷۷	پافشاری امروز، بهره فردا
۱۷۸	تهدید به قتل امام علی (علیه السلام)
۱۸۰	هرگز ریاست بر دو نفر را قبول مکن
۱۸۲	طرح توطئه قتل امام علی (علیه السلام) به خاطر ریاست
۱۸۵	به خاطر ریاست
۱۸۷	در مخالف خورد مصمم تر شدند
۱۸۹	عامل هشتم: حسادت
۱۹۰	حسد چیست؟
۱۹۰	حسد خطرناک‌ترین بیماری
۱۹۱	انگیزه‌های حسد
۱۹۴	حسادت به تو، حسادت به من است
۱۹۹	عامل نهم: جهل و نادانی
۲۰۱	نادانی اصحاب جمل
۲۰۲	باز هم نادانی
۲۰۳	معاویه برای جنگ با امام علی (علیه السلام) از جهالت مردم شام استفاده کرد
۲۰۳	معاویه از نادانی مردم می‌گوید
۲۰۴	سادگی مردم
۲۰۵	نمونه‌های جهالت مردم شام
۲۰۵	حکایت دیگر
۲۰۶	تا چه حد سادگی

۲۰۷	 خوارج زاییده‌ی نادانی
۲۰۹	 فهم غلط از دین
۲۱۳	 باز هم فهم غلط از دین
۲۱۴	 رفتار خوارج با امام علی علیه السلام
۲۱۶	 مصیبت‌هایی که خوارج برای اسلام به وجود آوردند
۲۱۷	 رفتار امام علی علیه السلام با خوارج
۲۱۸	 و حکایتی دیگر
۲۲۱	 فهرست منابع



السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ، أَنْتَ أَوَّلُ مَظْلُومٍ وَ أَوَّلُ مَنْ غُصِبَ
حَقُّهُ، صَبَرْتَ وَ احْتَسَبْتَ حَقِّي أَتَاكَ الْيَقِينُ^۱

سلام بر تو ای ولی خدا! تو اولین مظلوم و اولین کسی هستی
که حقش انصاف کردند! تو صبر کردی و آن را به پای خدا
گذاردی تا آنکه رحمت فرا رسید.

تنها خلیفه بلا فصل و امام من بعد از رسول خدا ﷺ،
امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) است که پیامبر ﷺ از مقام بعثت تا رحلت، بارها
- به ویژه در غدیر خم - وی را به طور رسمی و علنی معرفی کرد؛ ولی پس
از گذشت هفتاد روز از نصب وی در غدیر و با رحلت پیامبر ﷺ، علی (علیه السلام)
رها شده، حقوق مسلم او چون، خلافت و فدک غصب شد؛ به علاوه به
خانه‌ی وی حمله شد و پس از آتش زدن آن، حضرت زهرا (علیها السلام) مورد ضرب
و شتم قرار گرفت. همچنین آن حضرت را مورد سب و لعن قرار داده و از
نشر فضایل آن امام ممانعت به عمل آوردند. اقدامات دیگری برضد ایشان

۱. بیت الاحزان، ص ۱۳۹؛ مفاتیح الجنان، زیارتنامه امام هادی (علیه السلام) درباره امیرالمؤمنین (علیه السلام).

انجام شد از جمله: ساخت و پرداخت احادیث دروغین بر علیه امام، تمرّد و سرپیچی مسلمانان از دستورهای وی و تعقیب، دستگیری و تبعید و زندانی کردن یارانش، همگی شاهدانی بر مظلومیت آن حضرت می باشند. در کتاب قاموس قرآن آمده است:

«ظلم به معنای ناقص و کم کردن حق است؛ پس ظلم یعنی حقوق دیگران را پایمال کردن.»

پیامبر اسلام ﷺ بارها مظلومیت علی علیه السلام را گوشزد کرده است؛ از جمله در جایی به علی علیه السلام فرموده است:

«أَخْبَرَنِي جَبْرِئِيلُ وَأَنَّهُمْ يَظْلِمُونَهُ وَيَمْنَعُونَهُ حَقَّهُ، وَيَقَاتِلُونَهُ وَيَقَالُونَ لَهُ وَأَنَّهُمْ يَظْلِمُونَهُمْ بَعْدَهُ.»^۱

«جبرئیل به من خبر داد که آنان بر او ظلم خواهند کرد و او را از حقش باز می دارند و با او می جنگند؛ فرزندان او را می کشند و به آنان بعد از وی، ستم می کنند.»

همچنین پیامبر ﷺ به امام علی علیه السلام فرموده است:

«يَا عَلِيُّ! أَنْتَ الْمَظْلُومُ بَعْدِي؛ مَنْ ظَلَمَكَ فَقَدْ ظَلَمَنِي.»^۲

«ای علی! تو بعد از من مظلوم واقع می شوی؛ هر کس به تو ظلم کند، به من ظلم کرده است.»

۱. امالی شیخ طوسی، ج ۱، ص ۷۸۶، ح ۷۲۶. ۲. دانشنامه امیرالمؤمنین علی علیه السلام، ج ۱۰، ص ۴۲۲.

«يَا عَلِيُّ! أَنْتَ الْمَظْلُومُ مِنْ بَعْدِي؛ قَوْلُ مَنْ ظَلَمَكَ وَاعْتَدَى عَلَيْكَ»^۱

«ای علی! تو پس از من ستم خواهی دید؛ پس وای بر کسی که به تو ستم کند و به حقیقت تجاوز کند.»

«يَا عَلِيُّ! أَنْتَ وَصِيٌّ مِنْ بَعْدِي وَأَنْتَ الْمَظْلُومُ الْمُضْطَّهَدُ بَعْدِي»^۲

«ای علی! تو وصی من، پس از منی و تو مظلوم پس از منی.»

«يَا عَلِيُّ! أَنْتَ الْمَظْلُومُ بَعْدِي؛ يَا عَلِيُّ! أَنْتَ الْمَفَارِقُ بَعْدِي»^۳

«ای علی! تو پس از من، مظلوم واقع می شوی. ای علی! تو پس از من، تنها می شوی.»

خود آن حضرت علیه السلام نیز بارها به مناسبت این دو خُلاف و با تعبیرهای گوناگون از مظلومیت و غربت خویش یاد کرده است که به چند مورد اشاره می شود:

(الف)

«مَا زِلْتُ مَظْلُومًا مُدْكُنتُ»^۴

«از زمانی که بوده ام، همواره مظلوم بوده ام.»

۲. دانشنامه امیرالمؤمنین علیه السلام، ج ۱۰، ص ۴۲۲.

۱. عیون اخبارالرضا، ج ۱، ص ۶۱۲.

۴. امالی شیخ طوسی، ج ۱، ص ۷۸۴، ح ۷۲۴.

۳. همان، ج ۸، ص ۲۴۳.

«مَا زِلْتُ مَظْلُومًا مُنْذُ قُبِضَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ»^۱

«از هنگامی که پیامبر ﷺ درگذشت، همواره مظلوم بوده‌ام.»

(ب)

ابن شهر آشوب به نقل از حَدِیْث می‌گوید:

علی (علیه السلام) هیچ‌گاه به منبر نرفت، مگر آنکه پیش از پایین آمدن فرمود:

«مَا زِلْتُ مَظْلُومًا مُنْذُ قُبِضَ اللَّهُ نَبِيَّهُ ﷺ»^۲

«از زمانی که خداوند، پیامبرش را قبض روح کرد، همواره

مظلوم بوده‌ام.»

(د)

مسیب بن نجبه می‌گوید:

هنگامی که علی (علیه السلام) سخنرانی می‌کرد، عربی فریاد کشید و گفت: «وای!

ستم دیده‌ام.»

علی (علیه السلام) او را نزد خود خواند؛ وقتی نزدش رفت، به او فرمودند:

«إِنَّمَا لَكَ مَظْلَمَةٌ وَاحِدَةٌ، وَ أَنَا قَدْ ظَلَمْتُ عَدَدَ الْأَنْدَادِ وَالْأَوْبَرِ»^۳

«تو یک ستم دیده‌ای و من به شماره سنگ‌ها و کرک‌های

چارپایان ستم دیده‌ام.»

(ه)

مرد عربی در مسجد، نزد امیر مؤمنان، علی (علیه السلام) رفت و گفت: «مظلومم.»

حضرت فرمود: «نزدیک من بیا.» وی نزدیک آمد و گفت: «ای امیر

مؤمنان! مظلومم.»

۱. احتجاج، ج ۱، ص ۴۴۹، ح ۱۰۴.

۲. بحار الانوار، ج ۲۸، ص ۳۷۳، بیت الاحزان، ص ۱۳۹.

۳. بحار الانوار، ج ۲۸، ص ۳۷۳.

علی علیه السلام فرمود: «نزدیک‌تر بیا.» وی نزدیک‌تر آمد تا آنکه حضرت امیر علیه السلام دست‌هایش را روی زانوی آن مرد گذاشت و فرمود: «مظلومیت چیست؟» مرد عرب، مظلومیت خود را بیان کرد.

علی علیه السلام فرمود: «ای عرب! من از تو مظلوم‌ترم؛ به اندازه ریگ‌ها و کرک‌های چارپایان به من ظلم شده و خانه‌ای میان عرب‌ها نمانده است، جز آنکه مظلومیت من بدان داخل شده و همچنان تا این زمان که اینجا نشسته‌ام، مظلوم بوده‌ام.»^۱

(و)

عبدالرحمان بن ابی بکر می‌گوید: «از علی علیه السلام شنیدم که می‌فرمود:

«مَا لِي أَدْنِي النَّاسَ مَا لَقِيتُ؛ ثُمَّ بَكَى.»^۲

«هیچ‌کس آنچه را که من کشیده‌ام، نکشیده است. آنگاه به

گریه افتاد.»

همچنین یکی از دغدغه‌ها و نگرانی‌های حضرت عباس علیه السلام می‌طاهره،

فاطمه زهرا علیها السلام در روزهای واپسین عمرش، مظلومیت امیر مؤمنان علی علیه السلام بود.

روایت شده است چون هنگام فراق حضرت زهرا علیها السلام فرارسید، اندکی

گریه کرد؛ امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمود: «چرا گریه می‌کنی؟» فاطمه علیها السلام

فرمود: «برای رنج‌ها و آزارهایی که بعد از من به تو می‌رسد گریه می‌کنم.»

۱. دانشنامه امیرالمؤمنین علیه السلام، ج ۱۰، ص ۴۲۸. ۲. همان، ج ۱۰، ص ۴۳۰.

علی (علیه السلام) فرمود: «گریه مکن. سوگند به خدا، این سختی‌ها در راه خدا برای من ناچیز است.»^۱

ام‌سلمه - یکی از همسران نیک رسول خدا (صلی الله علیه و آله) - به عیادت فاطمه (علیه السلام) آمد و گفت: «ای دختر رسول خدا (صلی الله علیه و آله)! شب را با این بیماری چگونه به صبح آوردی؟» فاطمه (علیه السلام) فرمود: «صبح کردم در حالی که خود را بین دو اندوه جانکاه می‌دیدم:

۱. جگر از داغ فراق پدرم یکپارچه خون شده بود.
 ۲. دلم بر ظلمی که به وصی رسول خدا (صلی الله علیه و آله) شده، شعله‌ور شده بود.
- سوگند به خدا! به ساحت مقدس امیر مؤمنان علی (علیه السلام) تو همین کردند؛ آن حضرت، صبح کرد در حالی که مقام خلافت و امامت را از او ربودند و برخلاف کتاب خدا و سنت پیغمبر (صلی الله علیه و آله) رفتار کردند.»^۲
- یکی از مهم‌ترین نشانه‌های سطرت امیر مؤمنان علی (علیه السلام) را می‌توان کناره‌گیری و عهدشکنی مردم برشمرد؛ چنانچه پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) به خود آن حضرت فرمود:

«يَا عَلِيُّ! إِنَّ أُمَّتِي سَتَغْدِرُ بِكَ بَعْدِي وَ يَشْتَعِ ذَلِكَ بَرُّهَا وَ فَاجِرُهَا.»^۳

«ای علی! همانا امت من، بعد از من با تو پیمان‌شکنی خواهند کرد و خوبان و بدان آنان در این راه، گام خواهند برداشت.»

۲. همان، ص ۲۴۰.

۱. بیت‌الاحزان، ص ۱۹۲.

۳. عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۱۲۱.

وقتی که غاصبان ولایت برای بیعت به خانه‌ی امیر مؤمنان هجوم برده، او را کشان‌کشان به مسجد می‌بردند، مردم شاهد بودند؛ ولی هیچ‌یک از آنان از امیر مؤمنان حمایت و دفاع نکردند.

بدون شک، یکی از بخش‌های مهم زندگی حضرت علی علیه السلام به ویژه بعد از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله، تنهایی آن حضرت است؛ به طوری که حضرت در منزل نشسته و همسرش حضرت زهرا علیها السلام پس از بازگشت از کنار قبر پدرش رسول خدا صلی الله علیه و آله وقتی وارد اتاق شد و چشمش به علی علیه السلام افتاد، به او فرمود:

«ای امیر ابوطالب! مانند کودک در رحم مادر به خود پیچیده و گوشه‌نشین شده‌ای و باغمان بغل گرفته‌ای و مانند شخص متهم در کنج خانه پنهان گشته‌ای. تو آن کسی بودی که شاهپره‌های بازها را درهم شکستی؛ اکنون از پره‌های نامان در مانده شده‌ای.»^۱

اما سؤال اساسی این است که چرا مردم خیر را تنها گذاشتند و از دیگران پیروی کردند؟ این چرایی همواره ذهن حقیق را متطوف داشت تا آنکه تصمیم گرفتم درباره‌ی این موضوع، مطالعات و تحقیقاتی داشته باشم و سیر مطالعات را به این موضوع اختصاص داده، با مساعدت علی‌اعلی - جلّ شأنه - و عنایت امیر مؤمنان علی علیه السلام، مطالعات و آموخته‌های خود را به رشته تحریر درآورم تا خدمتی - هرچند اندک - به دوستداران امیرالمؤمنین علیه السلام کرده باشم.

در تألیف این اثر تاریخی از منابع معتبر و موثق استفاده کردم تا اثری

شایسته در اختیار خوانندگان عزیز و مشتاق قرار گیرد.

انتظار می‌رود خوانندگان بزرگوار، پس از مطالعه‌ی دقیق این کتاب،

نظرات، پیشنهادات و انتقادات خویش را برای حقیر ارسال فرمایند تا

کاستی‌ها جبران شود.

این اثر ناچیز هدیه‌ای است به مظلوم‌ترین مظلوم عالم، امیر مؤمنان

علی علیه السلام و امید است که در درگاه حضرتش مقبول افتد.

اللهم وفقنا لما تحب وترضی

و الحمد لله أولاً و آخراً

نهم ربیع الاول سال ۱۴۳۳

۱۳۹۰/۱۱/۱۳

کاشان - مشکات

ابراهیم خرمی مشکانی

